

شرق

تلاش راهداران جاده‌های زمستانی برای برف‌روبی و نم‌پاشی در محورهای استان آذربایجان شرقی ادامه دارد / عکس: مسعود سپهرنیا، آتا



زمین سبز

حیوان‌ستیزی با طعم قانون (۳)

کدام قانون، به شهروندان اجازه داده شده که در پارک‌ها بتوانند مطالعه کنند؟ با منطق عجیب سردار، آیا باید از این پس پلیس با کسانی که در پارک‌ها درس می‌خوانند، برخورد کند و آنها را دستگیر کند که کاری بی‌مجاز انجام می‌دهند؟!

وقتی شاهد چنین طرح‌هایی هستیم که در مجلس مطرح می‌شود و در مقابل، شاهد تصویب‌نشدن لایحه قانونی حمایت از حیوانات و نیز طرح ممنوعیت حیوان‌آزاری در مجلس هستیم و همچنین اظهارنظرها و سخنانی مانند صحبت‌های فرمانده پلیس تهران را می‌شنویم و می‌بینیم برنامه‌های حیوان‌ستیزانه‌ای را که گه‌گاه در صداوسیما ساخته و پخش می‌شود و به شکل یک‌طرفه علیه حیوانات خانگی و نگهداری از آنها در خانه صحبت می‌کنند و آنها را عامل انتقال بیماری و انزوا و طلاق و ترویج فرهنگ غربی و... معرفی می‌کنند و حتی به دامپزشکان و کارشناسان و حامیان حیواناتی که به این برنامه‌ها نقد دارند، اجازه حضور در «رسانه ملی» و دفاع از حقوق حیوانات و ردکردن ادعاهای مطروحه در صداوسیما را نمی‌دهند و ایضا سگ‌کشی‌های سازمان‌یافته به دست پیمانکارانی که با شهرداری‌ها قرارداد می‌بندند، برای قتل این موجودات دوست‌داشتنی و... را می‌بینیم، این شائبه منطقی برای ما ایجاد می‌شود که بخشی از مدیریت، اصولا با حیوانات سر آشتی و دوستی ندارد و تلاش می‌کند با چنین طرحی در مجلس، به این حیوان‌ستیزی، رنگ‌وبوی قانونی هم بدهد. از منطری دیگر به این طرح مجلس درباره حیوانات نگاه می‌کنم: آیا مجلس، توجهی به تبعات منفی اقتصادی، اجتماعی و روانی این طرح خود داشته است؟ رشته‌های تحصیلی زیادی در رابطه با حیوانات خانگی وجود دارد و هر ساله تعداد زیادی دانشجو از این دانشکده‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند. اگر چنین طرحی در مجلس تصویب شود و تبدیل به قانون شود (که امیدوارم چنین نشود)، در اولین قدم، باید این دانشگاه‌ها را تعطیل کرد!وقتی اصل ماجرا غیرقانونی و جرم‌انگاری شود، دیگر وجود چنین دانشگاه‌هایی و چنین رشته‌هایی هم سالبه به انتقای موضوع شده و نیازی به آنها نیست و فقط می‌ماند این‌همه دانش‌جویی که در این رشته‌ها مشغول به تحصیل هستند و انتهایی که فارغ‌التحصیل شده‌اند. آیا مجلس برای آنها فکری کرده یا باید به خیل میلیون‌ها بی‌کار بپیوندند؟ آینده شغلی فروشگاهی‌ها که محصولات و غذاهای مربوط به حیوانات خانگی را می‌فروشند، چه می‌شود؟ همچنین داروخانه‌هایی

با وجود روایات و توصیه‌ها و احادیث مذهبی که در بخش قبلی به آن اشاره شد و دلایل عقلی و حقوقی و اجتماعی برای رعایت حقوق حیوانات و احترام به حق حیات آنها و لزوم رسیدگی و توجه به آنها، به نظر می‌رسد که بخشی از مسئولان، با حیوانات سر ستیز و نامهربانی دارند. از مصادیقی که می‌تواند ما را به چنین نتیجه‌ای برساند، یکی همین طرح عجیب‌وغریب است، با نام عجیب‌تری که برای آن انتخاب کرده‌اند (انکار واژه «صیانت»، در مجلس تبدیل شده به اسم رمز مقابله با مردم و دخالت در زندگی خصوصی شهروندان) و دیگری فرمایشات فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ درباره آنچه «سگ‌گردانی» می‌نامید. ایشان چندی پیش فرمودند که «در قانون، اجازه سگ‌گردانی داده نشده» و سرپرستان سگ‌های خانگی را که باید حداقل یکی، دو بار در روز، حیوان را برای گردش روزانه و پیاده‌روی به سطح شهرها بیاورند، تهدید به برخورد قانونی کرد (اعتمادآنلاین، ۲۶ تیرماه ۱۴۰۰).

درباره همین فرمایشات فرمانده ارشد نیروی انتظامی، گفتنی بسیار زیاد است. آیا ایشان به‌عنوان یک فرمانده ارشد پلیس که مطابق قانون، ضابط قضائی محسوب می‌شوند و طبق اصول باید با قوانین و حداقل مابنی حقوق آشنا باشند، اصل اباحه و اصل کلیدی و مهم قانونی بودن جرم و مجازات به گوش‌شان آشنا نیست و از آن خبر ندارند؟ هر دانشجوی ترم اول دانشکده حقوق با این اصول اولیه و مبنایی حقوقی آشناست و می‌داند که اصل بر مجازبودن هر فعل یا ترک فعلی است، مگر قانون خلاف آن امر کرده باشد (اصل اباحه) و هیچ عمل را نمی‌توان جرم تلقی کرد و با مرتکب آن برخورد کرد، مگر آنکه فعل یا ترک فعل، در قانون جرم تلقی شده باشد و برای آن مجازات تعیین شده باشد و در چنین حالتی هم فقط در محدودهای که قانون تعیین کرده، می‌توان با آن فرد برخورد کرد (اصل قانونی بودن جرم و مجازات). حال ایشان باید پاسخ دهند که در کدام قانون، بیرون آوردن سگ از خانه، جرم تلقی شده و برای فاعل این عمل، مجازاتی تعیین شده که ایشان چنین تهدید غیرقانونی را بیان کرده‌اند و بر مبنای کدام قانون می‌خواند با چنین فردی برخورد کنند؟ ضمنا آیا به عقیده ایشان، باید برای همه اعمال و رفتار و گفتار شهروندان، در قانون مجوزی ذکر شده باشد یا قانون فقط اعمال و رفتار مجرمانه را تعیین می‌کند و مجازات آنها را بیان می‌کند و باقی اعمال، بنا بر اصل اباحه و برائت، مجاز شناخته می‌شود؟ برای مثل در

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۷دی ۱۴۰۰ • ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ • ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۸۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۹
اذان صبح فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشت

با اینکه به نظر می‌رسید پس از اعتراض‌های گسترده طرح افزایش سهمیه پزشکی از دستور کار مجلس خارج شده اما دوباره انگار گروهی تمام تلاش خود را برای افزایش پلکانی سهمیه پزشکی در دانشگاه‌ها به کار گرفته و دوباره این طرح کارشناسی‌نشده در صدر دستور کار، آنان قرار گرفته است. صداوسیمای ملی هم که در دوران کرونا پزشکان را قهرمانان و فرشتگان نجات می‌نامید، حالا دوباره به رویه سابق خود برگشته و صحبت از تعارض منافع و مافیای پزشکی می‌کند: اینکه پزشکان نمی‌خواهند جایگاه خود را از دست داده و کسی دیگر را در این همه منفعی که از سیستم بهداشت و درمان کسب می‌کنند، شریک خود ببینند. شاید درصد اندکی از پزشکان زندگی مرفهی داشته باشند ولی همان‌طورکه بارها گفته شده اکثر آنها با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. واقعا نمی‌دانم این منافع عظیمی که از آن صحبت می‌شود، چه هست، با تعرفه‌های بسیار اندک و بدقولی‌های بیمه‌ها در بازپرداخت همین مبالغ اندک چه منافع عظیمی در کار است که صداوسیما در بوق آن می‌دمد؟ وضعیت پزشکیانی که در بخش دولتی کار می‌کنند از این هم بدتر است. وقتی وزیرت متخصص در بخش دولتی با آن همه حجم کار و استرس جزئی حدود ۳۵ هزار تومان است، چه منافع عظیمی وجود دارد که این پزشکان مایل به تقسیم آن با سایرین نیستند؟ هنوز مستصدیان امر نمی‌دانند که مشکل سیستم پزشکی، تعداد پزشک نیست،



عبدالرضا ناصر مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

غوغایی پوچ برای افزایش سهمیه پزشکی

وقتی خیلی از پزشکان عمومی به کاری غیر از طبابت مشغول‌اند، چگونه می‌توان از تعداد کم پزشکان سخن گفت. این در حالی است که اگر مسئولین امر به‌جای چنین اقدامات پوپولیستی‌ای، به بهترکردن شرایط زندگی پزشکان اهتمام می‌ورزیدند، ما با این‌همه مشکل در سیستم درمان روبه‌رو نبودیم. بارها شنیده‌ایم که پزشکان متخصص در مناطق محروم و دورافتاده نمی‌مانند و همه در تهران یا حداقل در مراکز استان تجمع می‌کنند. دولت نیز برای حل این مشکل به‌جای اینکه شرایط مناطق محروم و دورافتاده را برای اسکان و کار پزشکان بهتر کند، تحت عنوان طرح اجباری، آنها را به این مناطق می‌فرستد. خود من طرح تخصصی خود را در شهرستانی گذراندم که اتفاقا چندان محروم نیز به حساب نمی‌آمد. اما در همین شهرستان محل اسکان من پانسوونی متعلق به مرکز بهداشت بود که پنج پزشک باهم در آنجا زندگی می‌کردیم و در طول نزدیک به دو سالی که در آنجا بودم، حتی یک‌بار نیز این پانسوین توسط مسئول محترم آن نظافت نشد. از غذا و مایقی شرایط که بهتر است چیزی ننوسم. من به‌عنوان متخصص مغز و اعصاب در شهری مجبور به کار شده بودم که یک سی‌تی‌اسکن نداشت و من باید تمام بیماران را برای انجام سی‌تی‌اسکن به مرکز استان اعزام می‌کردم. دانشگاه مورد نظر و مرکز بهداشت محترم نیز به‌جای حمایت از من بارها نامه‌نگاری کردند که ایشان چرا بیماران را برای انجام سی‌تی‌اسکن اعزام می‌کند. وقتی مسئول مربوطه هنوز نمی‌داند که برای یک متخصص مغز و اعصاب سی‌تی‌اسکن و ام‌آر‌آی جزئی از وسایل معاینه وی به‌شمار می‌آید، چگونه می‌توان از یک نیروی متخصص انتظار داشت که پس از اتمام طرح اجباری در چنین محیطی با چنین مسئولانی به کار خود ادامه دهد؟

روزها

پایان جنگ سرد، شروع جنگ گرم



حسین روحانی‌صدر
کارشناس سازمان اسناد

جهان با دو گفتمان جنگ سرد و جنگ ستارگان، معجونی از توهم و واقعیت، ۷۰ سالی را سپری کرد. مبلغان این فرایند سایه‌های سنگینی در قالب ابرهایی تیره از آن به معرض نمایش درآوردند. این رویه، محصول دو جنگ جهانی تاریخ معاصر می‌است که صلح و دوستی شعار مجامع بین‌المللی بود؛ چه فرایند غربی که همواره در غبار و غریت ماند. سؤال اصلی که چه کسانی با چه جریان‌هایی زمینه‌فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را اجرا یا پیش‌بینی کرده‌اند، همچنان به قوت خود باقی است. جالب آنکه چه گویندگان و نویسندگانی داد سخن از عبرت‌آموزی آن مجموعه همچنان ناشناخته، سر می‌دهند. نکته مهم آنکه برای فلات قاره ایران با مرزهای مشترک و سابقه پهنه فرهنگی آن، این گمانه‌زنی‌ها باید تا رسیدن به نتیجه قطعی ادامه یابد و اینکه آیا چنین مهمی در دستور کار گردانندگان سیاسی و فرهنگی و دانشگاهی قرار داشته

زیر آسمان شهر

میان زروان روحبخشان و مریم کهوند، این گفت‌وگو با همکاری گالری اینفوگردآوری شده است. در همین روز نشست دیگری با عنوان «تصور - واژه - صفحه / کتاب به‌مثابه شیء هنری» در ساعت ۱۶:۰۰ و با سخنرانی رضا عابدینی برپا می‌شود. این سخنرانی با همکاری فرهاد فروزنی گردآوری شده است. نشست پایانی روز سه‌شنبه، هفتم دی نیز با موضوع «نشر معمول» در قالب گفت‌وگویی میان آیا کربشت و لایلا عبدالرزاق از بنیان‌گذاران نشر معمول در ساعت ۱۸:۰۰ برگزار می‌شود. معمول نشریه‌ای چندرشته‌ای کوچک و جمعی برای خلق، برگزاری و انتشار هنر در فصل مشترک کمیک، چاپ و کتاب‌های هنری است و این گفت‌وگو با همکاری لایلا ناظمیان گردآوری شده است. در چهارمین بازار کتاب هنری بن‌گاه بیش از صد شرکت‌کننده داخلی حضور دارند.

صنف

جای خالی ایران سپید

• ایستا: «ایران سپید» روزنامه ویژه نایبانیان است که به خط فارسی و بریل در تهران چاپ می‌شد؛ اما قریب به دو سال است که به بهانه کرونا متوقف مانده و کسی هم پاسخ‌گوی این نیست که درنهایت چه اتفاقی برای این روزنامه قرار است بیفتد. ایستا گفت‌وگویی با روح‌الله ساعی، مدیرعامل مؤسسه نایبانیان بصیر، درباره دلایل توقف روزنامه «ایران سپید» انجام داده است که نکات درخورتوجهی را بیان کرده است. ازجمله او گفته است که «موضوع این است که مسئولان مؤسسه فرهنگی ایران تغییر کرده‌اند و رویکرد مسئولان این مجموعه ظاهرا به این شکل است که نمی‌خواهند دیگر روزنامه را به خط بریل چاپ کنند؛ ضمن اینکه مدیرمسئول این روزنامه هم حدود ۴۰ روز است تغییر کرده و این یکی دیگر از نگرانی‌های جامعه نایبانیان است». البته این روزنامه دو سال پیش و با آغاز کرونا تعطیل شده است؛ هرچند این خودش جای تعجب بسیار دارد؛ درحالی‌که رسانه‌ها و تلاش‌شان برای آگاهی‌سازی باید در صدر وظایف‌شان قرار گیرد، چطور تنها روزنامه نایبانیان تعطیل شده است؟ سؤالی که البته مسئولان باید پاسخ دهند؛ اما روح‌الله ساعی، مدیرعامل مؤسسه نایبانیان بصیر است و به‌عنوان نماینده نایبانیان درخواست آغاز به کار دوباره این روزنامه را دارد و درباره این توقف به ایستا توضیح داده است: «اهمیت ایران سپید از آنجا بود که تنها روزنامه‌ای محسوب می‌شد که به خط بریل در ایران چاپ می‌شد. گفته شده بود به محض اینکه شرایط کرونا فروکش کند و اوضاع بهتر شود، روزنامه به خط بریل چاپ خواهد شد؛ اما نزدیک به دو سال است که اتفاقی نیفتاده است و در این مدت مطالبی به شکل پادکست‌های صوتی تولید می‌شد و همچنین اخبارش از طریق سایت ایران سپید گذاشته می‌شد؛ ولی تنها خواسته نایبانیان کشور این بود که این روزنامه به شکل مکتوب منتشر شود».

ساعی خاطرنشان کرد: «از هفت، هشت ماه گذشته بسیاری از روزنامه‌ها که به خاطر کرونا متوقف شده بودند، چاپشان از سر گرفته شد و دوباره به حالت اول بازگشتند؛ بنابراین این انتظار در جامعه نایبانیان کشور هم هست که مشکل «ایران سپید» حل شود». دبیر هیئت‌مدیره تشکل‌های نایبانیان کشور همچنین خاطرنشان کرد: «اولا مدیرمسئول روزنامه ایران سپید کنار گذاشته شد که البته یک اتفاق طبیعی است و هر مدیری که سر کار می‌آید، این حق را دارد که اطرافش را تغییر بدهد؛ ولی مشکل این است که بعد از برگزائی، در سرپرستی تعیین شد و نه شخص خاصی به‌عنوان مدیرمسئول مشخص شد. از همه مهم‌تر اینکه اصلا پاسخ‌گوی انتظارات نایبانیان نیستند. همواره سؤالاتی از سوی نایبانیان مطرح می‌شود که چرا این روزنامه متوقف مانده و چه سرنوشتی خواهد داشت که به هیچ‌کدام از آنها پاسخ نمی‌دهند. ما شنیده‌ایم که به خاطر هزینه‌ها می‌خواهند روزنامه را به چاپ بریل نرسانند و این اتفاق اگر بیفتد، اشتباه است؛ چون به‌هرحال یک سرمایه فرهنگی است و نمی‌توان فعالیت‌های این روزنامه در این سال‌ها در عرصه نایبانیان را نادیده گرفت».

ساعی در پایان در پاسخ به این پرسش که آیا راهکاری در راستای ادامه فعالیت روزنامه به شکل شنیداری و دیجیتال فراهم است؟ تأکید کرد: «ما موافق شنیداری‌شدن روزنامه نیستیم؛ چون اگر قرار باشد شنیداری باشد که به شکل پادکست‌های صوتی منتشر می‌شد. به‌عنوان مثال چطور ما خودمان وقتی روزنامه یا مطلبی می‌خوانیم، از خواندن مطالب لذت می‌بریم. نایبانیان هم همین حس را دارند. ضمن اینکه سود خواندن‌شان را تقویت می‌کنند، مگر فراغت آنها را پوشش می‌دهد و اینکه سود اطلاعاتی‌شان را افزایش می‌دهد. به نظر من این نکات خیلی مهم هستند. ما انتظارمان این است که مؤسسه فرهنگی ایران و خبرگزاری ایرنا که درواقع دولت آقای رئیسی را نمایندگی می‌کنند و با یک شعار مردمی‌بودن و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و قشر محروم، سر کار آمدند، پاسخ‌گو باشند و روشنگری کنند تا جامعه نایبانیان کشور از این نگرانی، سردرگمی و دغدغه نجات پیدا کنند. به‌هرحال باید بدانیم قرار است چه اتفاقی برای این روزنامه بیفتد».

اتفاق



شفقنا: دکتر مراد راهداری استاد اقتصاد گفته است: حتی اگر امروز تحریم‌ها برداشته شود و مشکلات ما حل شود، ۲۰ یا ۳۰ سال طول می‌کشد تا ما مقر را صفر کنیم. میزان درآمد یا خط فقر برای یک خانوار چهارنفری حداقل ۱۲ میلیون تومان است. وقتی سرانگشتی حساب می‌کنید تقریبا ۷۰ درصد از مردم ایران زیر خط فقر نسبی هستند؛ این پدیده خوبی نیست.



خبرآتلاین: نام سمیرا زرگری (مرپی اسکي) و مسئله ممنوع‌الخروج‌شدنش برای انجام مسابقات توسط همسر سابقش، چندی‌قبل بازتاب گسترده‌ای داشت و حالا خبر خواستگاری «فیاض میرابیان» عضو تیم ملی شیرجه ایران از او در مراسم اهدای مدال اسکي آلپاین ترکیه! عاطفه احمدی دوستش و قهرمان امسال رقابت اسکي آلپاین ترکیه در مقامات این اتفاق، نقش داشته است.



خبر فوری: ویدئویی که از مهدی چمران درباره استفاده او از یک برند عینک‌فروشی به‌تاژگی در اینستاگرام منتشر شده، بازتاب زیادی داشته است. این ویدئو به‌عنوان ورود این چهره سیاسی به عرصه تبلیغات اینستاگرامی مطرح شده است. او در این ویدئو بعد از سلام می‌گوید ۴۰ سال است عینک‌هایش را از این فروشگاه می‌خرد.



شرق: دیروز مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش گفت که «طبق اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر برای اولین بار شیوع مصرف مواد در بین دانش‌آموزان متوقف شد و موفقیت ارزشمندی است که حاصل تلاش همه همکاران است».



فرارو: محمد درویش: تنها فایده عودت شرم‌آور محصولات صادراتی کشاورزی ایران، شاید این باشد که نشان داد چه سمومی را سال‌هاست مصرف می‌کنیم و تا چه اندازه نهادهای نظارتی و بهداشتی کشور حالت مترسک دارند. مجلس، اگر مجلس‌باشد؛ به‌جای نگرانی از درمان زنان توسط پزشک مرد، باید نگران تاراج سلامت ایرانیان باشد.



ایستا: چند روز گذشته بسیاری از حضور یک ایرانی در تیم علمی تلسکوپ فضایی «جیمزوب» ناسا نوشته‌اند و آن را یک افتخار دیگر برای نخبگانی که مهاجرت را بر ماندن ترجیح می‌دهند، دانسته‌اند. آیرین شیوالی محقق مقطع فوق‌دکتری دانشگاه آریزونا و عضو تیم علمی جیمزوب از دانشمندان ایرانی در توسعه این تلسکوپ گران‌قیمت و مهم، نقش بسزایی را ایفا کرده است.